

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی آثار ایمان به حکمت الهی در زندگی

نرگس معظمی

چکیده

مقاله حاضر در صدد بررسی آثار ایمان به حکمت الهی است. شیوه ی جمع آوری این تحقیق، به روش کتابخانه ای می باشد و سؤال اصلی این است که اعتقاد به این که خداوند حکیم است و نظام آفرینش را اداره می کند چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟ این که حکمت الهی چه اقسامی می تواند داشته باشد. در راستای پاسخ به این سؤال معنای لغوی و اصطلاحی حکمت، معنای حکمت الهی، آثار نظری و آثار عملی آن بر زندگی انسان بررسی می شود. حکمت یکی از صفات خداوند است به این معنی که خداوند حکیم کارهایش محکم و استوار است، آفرینش هدفمند است و بهترین آفرینش از آن اوست، دارای غایات معقول و منطقی است اگر انسان به حکیم بودن خداوند معتقد باشد به این معنا که این اعتقاد در وجودش استقرار یابد، از جهت نظری و عملی، زندگی او را تغییر می دهد. او نظام جهان را احسن می داند؛ یعنی نیکوترین نظام ممکن است که در آن بیشتر مخلوقات بهترین کمالات را بدست می آورند. باور حکمت الهی در پیشرفت های علمی انسان، و آگاهی او بر اسرار هستی اثر عمیق می گذارد و او را در برابر حوادث ناگوار مقاوم کرده، پذیرش قوانین الهی را آسان ساخته و التهاب و تشویش را از بین می برد و حتی علوم طبیعی را نیز از تقدسی دینی و آسمانی بهره ور می گرداند و باعث تقرب انسان به خداوند، رضا و تسلیم در برابر خداوند متعال می شود.

کلید واژه: حکمت، حکمت الهی، اعتقاد به حکمت الهی در انسان، نظام احسن،

مقدمه

غالباً به صفات خداوند از بعد معرفه الله نگاه می شود، مسلماً این در جای خود صحیح است، ولی غالباً برای تربیت انسان روی این اوصاف تکیه می شود که نمونه های آن در آیات قرآن منعکس است، بنابراین باید ما هم به پیروی از این کتاب آسمانی، شناخت صفات خدا را پایه ای برای تهذیب نفوس و تکمیل عقول قرار دهیم. توجه به حکیم بودن خداوند آثار و بازتابهای زیادی در انسان دارد. حکمت، از عالی ترین صفات الهی و بیانگر تنزه او از هر نقصی است و توجه به حکیم بودن خدا انسان را دعوت می کند که به سوی علم و حکمت روی آورد و متخلق به اخلاق او گردد، و شاید به همین دلیل قرآن مجید از «حکمت» به «خیر کثیر» (نیکی فراوان) یاد کرده، و می فرماید: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، آیه ۲۶۹)

درک درست حکمت باعث می شود که التهاب ها و اضطراب ها به آرامش تبدیل شده و ریشه ایمان به ارزش های معنوی قرار گیرد. متأسفانه کتاب مستقلی که آثار ایمان به حکمت الهی را بیان کند نوشته نشده، و در بررسی کتب های مختلف است که می توان به این مسئله پرداخت. پیشینه این بحث آثاری از متکلمین و فیلسوفان است که در آنها از نقشی که ایمان به حکمت الهی در ارزشهای معنوی و در زندگی دارد صحبت شده آثاری همچون شمیم ولایت، آیت الله جوادی آملی، که یک نمونه از اثر تربیتی ایمان به حکمت را بیان کرده است. بررسی حکمت الهی و اثرات آن می تواند نقش سازنده ای در زندگی انسان داشته باشد. مسئله پژوهش در نوشتار حاضر ابتداء معنای لغوی و اصطلاحی حکمت الهی بیان شده است و بازتابی که در امور زندگی، معنوی، رضا و تسلیم دارد آورده شده، و به این پرسش ها جواب داده می شود:

حکمت الهی در میزان تقوا چه تاثیری دارد؟

به پیشرفت علمی انسان چه کمکی می کند؟

هدف مندی خدا به عنوان یک معنای حکمت چه تاثیری در هدف مندی انسان دارد؟

تعریف لغوی اصطلاحی حکمت الهی

لغوی:

دانایی . علم . (تعریفات) . دانش . (مقدمه‌الادب) (دهار). دانشمندی . عرفان . معرفت .

حکمت در لغت به معنای عدل، اتقان، دانایی، دانش، عرفان، معرفت، ... به کار می رود. از نظر لغوی به کسی حکیم گفته می شود که در انجام دادن امور و افعالش در نهایت اتقان و عدالت باشد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۱) حکمت رسیدن به حق است از طریق علم و عقل، حکمت خدا همان شناخت اشیاء و ایجاد آنها در نهایت اتقان و استحکام از سوی اوست. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۴۸، و احمد قری فیومی، مصباح المنیر، ذیل واژه حکم).

حکمت در لغت به معنای استواری و منع از نقص و خلل و تباهی و اضطراب است. چنان که لجام اسب را «حَکَمَه» گویند، زیرا اسب را از سرکشی و حرکت‌های ناموزون باز می‌دارد. (ابن منظور، لسان العرب ج ۱۲، ص ۱۴۰)

معنای اصطلاحی:

اما در اصطلاح قرآن و روایات و حکماء و علماء و متکلمان حکمت در مورد خداوند به چند معنا اطلاق شده است.

۱. حکمت علمی

عبارت است از برترین معلوم که مصداق آن علم خداوند به ذات و افعال خویش است. البته به این معنا حکمت از علم خداوند و حب الهی به کمال و خیر که صفت ذاتی است نشأت می گیرد . یعنی خداوند که کمال مطلق منشأ خیرات است علم دارد به کمال و خیر خودش، این معنای حکمت علمی است. چنانکه فخر رازی در این مورد گفته: حکمت عبارت است از شناخت برترین معلومات بواسطه برترین علوم، پس حکیم به این معنا یعنی علم (علی ربانی گلپایگانی، عقاید استدلالی، ص ۱۹۲)

۲. استحکام و انسجام در آفرینش و تدبیر جهان

به این معنا که جهان آفرینش با اتقان و استحکام خاصی آفریده شده و طراح این جهان آن چنان کار دان و حکیم است که هر چیز را به جای خویش به بهترین صورت ممکن قرار داده است و افعال او به نیکو ترین و کامل ترین شکل ممکن تحقق می پذیرد وقتی گفته می شود « نظام آفرینش » خداوند « نظام احسن » است معنایش همین است وقتی نظام احسن درباره مجردات به کار برده می شود معنایش این است که هیچ نقص کاستی در افعال خدا وجود ندارد و وقتی در امور مادی به کار برده می شود و گفته می شود کار خدا حکیمانه است یعنی موجودات این عالم را به گونه ای خلق کرده که همه آنها با وجود تراحماتی که با هم دارند از بیشترین خیر و کمال خود بهره مند باشند.

(جعفر سبحانی و محمد رضائی ، اندیشه اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۲ و مجتبی مصباح، خداشناسی فلسفی، ص ۱۸۱-۱۸۳)

۳. پاکی و پیوستگی خداوند از افعال قبیح و ناروا

به این معنا که افعال او دارای غایت معقول و منطقی می باشد بنابر این خداوند کار لغو، عبث، و بیهوده انجام نمی دهد زیرا ایجاد افعال قبیح، لغو و بیهوده ناشی از جهل یا نیازمندی یا عجز از انجام ندادن آن است که در خدای تعالی وجود ندارد (ملا عبد الرزاق لاهیجی، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، ج ۱، ص ۷۳ و اندیشه اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۳، ۱۱۲).

۴. غایتمند بودن افعال الهی

به این معنا که فعلی که از خداوند سر می زند دارای غایات معقول و اغراض خرد پسندانه است که اگر افعال خداوند غرض نداشته باشد صدور فعل از او ترجیح بلا مرجح بود این محال است و صدور قبیح از عالم قبیح است. چون خداوند حکیم است پس فعل بی مصلحت و حکمت از او صادر نمی شود . (الفیاض لاهیجی، شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، ج ۱، ص ۷۳).

اقسام حکمت در مورد خداوند به دو قسم است.

حکمت تکوینی:

حکمت تکوینی به این معنا که خداوند در آفرینش و تدبیر عالم هستی حکیم است، یعنی هر موجودی را که به استعداد و قابلیت ذاتی او ایجاد کرده و متناسب به غایت مطلوب آن موجود اسباب و شرایط لازم برای رسیدن به آن غایت را در اختیار او گذارده است. چنانچه در قرآن کریم می فرماید: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» «پروودگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که در خور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است. (طه، آیه ۵۰)

حکمت تشریعی:

به این معنا که خداوند در قانونگذاری توان و طاقت بشر را نیز در نظر دارد و تکلیف به ما لا یطاق نکرده است و از طرفی موجوداتی را که شایستگی و قابلیت کمالات عقلانی و معنوی را دارند از هدایت تشریعی بهره مند ساخته و معارف و احکام و تعالیم دینی را از طریق عقل و وحی به آنان آموخته است، هم چنین خداوند بر پایه عدل و حکمت کیفر و جزاء می دهد و از پاداش نیکو کاران نمی کاهد و آنچه را شایسته آنان است و به آنها وعده داده است به آن عطا خواهد نمود.

آثار تربیتی اعتقاد به حکمت الهی

باور داشت به حکمت الهی از چند جهت اهمیت دارد مهمترین آنها عبارتند از:

احساس هدفمندی

انسانی که خداوند را حکیم می داند او را در آفرینش جهان و انسان هدفمند می شناسد، بدون شک به دنبال کشف اهداف و غایات آفرینش خود و جهان پیرامون خویش است و نگاه او به هستی با فردی که هستی را پوچ و بی هدف می انگارد کاملاً متفاوت خواهد بود، بدیهی است انسان پوچ گرا در زندگی فردی و اجتماعی خود نیز گرفتار پوچی و بی معنایی می شود، اما انسان هدف گرا، هم برای خود و هم برای دیگران، پویا، تلاشگر، خلاق، سازنده و جهت دار، ظاهر می شود.

اعتقاد به هدفمندی جهان هستی، انسان را در کشف روابط هدفمند میان موجودات عالم و تبیین قوانین و راه بهره گیری از این قوانین، برای تغییر و تصرف در جهان و ساختن دنیای بهتر و پیشرفته تر را هموار می سازد، کسی که به حکمت الهی باور دارد، هدف خلقت را فراتر از دنیای مادی و رفاه اقتصادی می بیند و به دنبال پی ریزی جامعه ای اخلاقی، با ایمان و صالح می باشد. (محمد تقی سبحانی، معارف و عقاید ج ۱ ص ۱۴۲).

کار او حکمت است خود را به او می سپارد و آن گاه به طمأنینه می رسد و اضطراب ها از او رخت بر می بندد و می آرمند. (جوادی آملی، شمیم ولایت، ج ۴، ص ۷۵۷)

ایمان به حکیمانه بودن افعال الهی التهاب و اضطراب و تشویش را از بین می برد، بنابراین باور، هر فعلی که صورت می پذیرد براساس قانون الهی است و قانون الهی مطابق با حکمت و مصلحت و عدل است این رویکرد اعتقادی، اتفاق، شانس را در عالم بر نمی تابد و انسان را در مقابل حوادث و مشکلات به تفکرو برخورد صحیح دعوت می نماید؛ تفکر در اینکه انسان یک زندگی سراسرآزمایش و بلا دارد تا به رشد و سعادت برسد و او باید بکوشد تا از فرصت ها برای پیروزی و غلبه بر سختی ها استفاده کند، حوادث و مشکلات را ارزیابی و علت یابی نماید، عوامل آنها را بشناسد و در جهت خیر و صلاح گام بردارد. (محمد تقی رکنی، عدل الهی ج ۱، ص ۲۰)

قرب الهی

می دانیم برترین مقام پر افتخار برای انسان، پیمودن راه قرب خدا است؛ قرب خدا جز از طریق تخلق به اخلاق و اقتباس پرتوی از صفات او امکان پذیر نیست، توجه به حکیم بودن خدا انسان را دعوت می کند که به سوی علم و حکمت روی آورد، و متخلق به اخلاق او گردد، و شاید به همین دلیل قرآن مجید از حکمت به خیر کثیر (نیکو فراوان) یاد کرده، و می فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، ۲۶۹).

تقدیر و قضای الهی

یکی از آموزه های مسلم دینی ما این است که خداوند متعال برای هر موجود روزی خواری، روزی خاصی را مقدر و مقرر فرموده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود، آیه ۶) در واقع این نکته اعتقادی اثر مستقیم حکمت الهی است، لازمه حکمت خداوند این است که وقتی موجودی را خلق می کند شرایط حیات و بقای آن را نیز فراهم می آورد. اگر بنا باشد که خدا موجوداتی را خلق کند و شرایط زندگی آنها را فراهم نیاورد، آفریدن آنها کاری عبث است و با حکمت الهی سازگار نیست، حکمت الهی اقتضاء می کند که وقتی موجودی روزی خوار را می آفریند، ابتدا احتیاجات اولیه زندگی او را فراهم می سازد، هر موجودی که خداوند در هر نقطه عالم خلق می کند شرایط زندگی اش را در همان جا فراهم می نماید. از جمله نیازمندی های انسان هایی را که در قسمت های مختلف زمین زندگی می کنند، در پوشش گیاهی و حیوانی و معدنی آن مناطق قرار داده است مثلاً این گونه نیست

که هر انسان یا حیوانی در هر منطقه ای که آفریده می شود، می باید امکانات بقاء و حیاتش در همان منطقه فراهم شود. اعتقاد به این اصل لازمه اعتقاد به حکمت خداست. (محمد تقی مصباح یزدی، پند جاوید، ج ۲، ص ۲۳۶)

انسان ها هنگام مشاهده برخورداری دیگران از نعمت، برخورد اعتراض آمیز دارند و سلب نعمت از دیگران را تمنی می کنند که چند سبب دارد یکی نارسایی عقیده است که چرا خدای سبحان نعمت ها را این گونه توزیع کرده است. در حالی که اگر از حکمت الهی با خبر باشد و از مصلحت خواهی او برای بندگان با خبر شود نه تنها به داشتن دیگران بلکه به نداشتن خویش هم اعتراضی ندارد و تقسیمات خداوند را حکیمانه می داند. (عبد الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲ ص ۴۹۸)، پس اعتقاد به حکمت الهی این ثمره را نیز دارد که به داشته های خود و دیگران رضایت داشته باشد.

نقش اعتقاد به حکمت الهی در ارزش های معنوی

طبیعت خود بی هدف است زندگی مرا از پوچی خارج نمی کند اعتقاد به حکیمانه بودن خلقت ریشه ایمان به ارزشهای معنوی پس ما در عین اینکه قائل به وجدان اخلاقی می شویم می گوئیم انسان بالفطره از کار خوب لذت و از کار بد رنج می برد ، اگر پای خدا و خلقت و هدف داشتن خلقت در میان نباشد ، کار ما از پوچی خارج نمی شود . ولی آنجا که این وجدان اخلاقی هست (و ما معتقدیم که واقعا وجود دارد) اما من خود می فهمم که این وجدان را خدا برای این قرار داده است که من کار با هدفی را انجام دهم و در متن خلقت ، و من و آن یتیم و آن پیر زن عضو یک پیکر هستیم و واقعا جزء یک نقشه و طرح هستیم و از یک مشیت ازلی پیروی می کنیم و به دنبال یک حکمت می رویم و هدف خلقت و خالق خلقت را تامین می کنیم ، در این صورت این امر معنوی پوچ نیست بلکه حقیقی و واقعی است . بنابراین هر مکتبی و هر سیستم فکری اجتماعی نیازمند است به یک سلسله ایده های معنوی و لهذا می گوئیم ایدئولوژی نیازمند ارزشهای مافوق مادی است ، و ارزشها باید قوی و نیرومند باشند به طوری که دارای نوعی تقدس باشند و نشانه تقدس یک چیز آنست که انسان آن را شایسته این بداند که زندگی فردی خودش را فدای آن بکند .

توجه به حکمت خداوند پذیرش قوانین الهی را آسان می سازد چرا که می داند تمام این برنامه ها و دستورات از سوی آن حکیم بزرگ است. کسی که به حکمت خداوند باور دارد دچار افکار منفی نمی شود.

(ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۴، ص ۱۳۷)

توجه به حکمت و تدبیر خداوند نگرانی را از خاطر می زداید و موجب می شود آدمی در سختی ها آرامش خود را نبازد و زبان به شکوه و شکایت نگشاید و ایمانش را از دست ندهد هر چند حکمت آن را نفهمد. اعتماد به حکمت الهی حتی علوم طبیعی و زمینی را که در پرتو استنباط از متون دینی پدید آمده و با آن ها بطور قطع مطابق باشد از تقدسی دینی و آسمانی بهره ور می گرداند. (عبد الله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۳۷۱).

رضا و تسلیم

مومن باور دارد که آنچه خداوند برای او مقرر کرده حکیمانه و این سرنوشت برای او بهترین است و از آنچه در زندگی برای او پیش آمده رضایت دارد و آن را مکروه نمی شمارد رضا و تسلیم باعث کاهش غم و نگرانی، افزایش آسایش در زندگی و آسان شدن مشکلات می شود. هم چنین باعث می شود انسان نسبت به زندگی خوش بین باشد و دید مثبت بیابد، خداوند متعال از پیامبر می خواهد در جواب منافقان بگوید: هیچ حادثه ای برای ما اتفاق رخ نمی دهد مگر آنچه خداوند برای ما نوشته (توبه، آیه ۵۲) افراد با ایمان و خدا پرست که به علم، حکمت و رحمت خدا ایمان دارند، مقدرات عالم را مطابق نظام احسن و مصلحت بندگان می دانند، انسان مؤمن تمام مقدرات عالم را زیبا می بیند و مفهوم شکست و ناکامی در او راه ندارد.

ثمرات دیگری که می توان بیان کرد این است که بر اساس پذیرش حکمت خداوند موجودات برای هدفی خلق شده اند چنانچه در قرآن فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۵۶) بنابراین خداوند سبحان کار عبث و بیهوده انجام نمی دهد و همه افعال او غایت مند است لازم است برای نیل به غایت و هدف مطلوب خود همه لوازم و زمینه های مناسب را مهیا فرماید و باور به این حکمت الهی نتیجه ای جز ایمان قوی تر و لطف خداوندی نیست. و اگر در معنای حکمت عملی خداوند مبنی بر تنزه خداوند از انجام افعال ناروا تأمل کنیم به این می رسیم که چون خداوند سبحان حکیم است هیچ کار زشتی انجام نمی دهد، و از آنجا که ظلم یکی از نمونه های عمل زشت است در نتیجه خداوند هیچ ظلمی انجام نمی دهد و همه کارهای خداوند عادلانه است.

نتیجه

اگر حکمت الهی را که از قدرت و علم او سرچشمه می گیرد و هرگز آمیخته با بخل نمی شود در نظر بگیریم حکم خواهیم کرد بر اینکه بر چنین خدائی واجب می آید که فیض خود را به وجهی مصروف کند، که اصلح و شایسته تر برای نظام اتم است . لازمه چنین اعتقادی این است که نظام عالم « نظام احسن » است، یعنی این عالم، بهترین و برترین نظام ممکن بوده و آفریننده جهان، آن را بر محور قسط و عدل بنا کرده است.

منابع و مأخذ

*قرآن

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، نشر اعلمی، ۱۳۷۵.
- ۲- اکبری، محمود، مشیت الهی در سبب سازی و سبب سوزی، قم، فتیان، ۱۳۸۹.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، ج ۴، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۲.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱۸، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- ۵- جوادی آملی، عبد الله، شریعت در آینه معرفت، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
- ۶- رکنی لموکی، محمد تقی، عدل الهی، ج ۱، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۷.
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- ۸- ربانی گلپایگانی، علی، عقاید استدلالی، انتشارات نصایح، ۱۳۸۱ ش.
- ۹- سبحانی، جعفر؛ رضایی، محمد، اندیشه اسلامی، ج ۱، قم، معارف، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- سبحانی، محمدتقی؛ رضا برنجکار، معارف و عقاید، ج ۱، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶ ص ۱۴۲.
- ۱۱- قری فیومی، احمد بن علی، مصباح المنیر، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۲- لاهیجی لفیاض، عبد ارزاق بن علی، شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، تهران، مکتبه الفارابی، بی تا ۱۴۰۱ ق.
- ۱۳- مصباح، مجتبی، عبودیت، عبد الرسول، خدانشناسی فلسفی، ج ۱، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.
- ۱۴- مصباح یزدی، محمد تقی، پند جاوید، ج ۲، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۴، تهران، دار الکتب السلامیه، ۱۳۸۶.